

#اعتراض - علیه - اغتشاش
نگاهی متفاوت به
اعتراضات اخیر

{سنپیر}

ویژه نامه سفیر
سال پانزدهم، شماره ۱۱۶
مهرماه ۱۴۰۱



آخرنواختن با تار مو

من را نفروش!

■ سید رسول حسینی نیا

یکی دو روز بعد از اولین تجمع در سطح دانشگاه که در آن حضور داشتیم در گروه درسی رشته خود دیدم که برخی از همکلاسی‌هایم پیام گذاشتند و گفتند فلانی با شرف باش و همکلاسی‌هایت را نفروش. بماند که با چه تحلیلی به آدم فروشی بنده حکم دادند اما همین جمله کافی بود تا قصد نوشتن متنی با عنوان "من را نفروش" کرده و نه رو در روی دوستانم بلکه با قلم خود در کنارشان از افکار و عقیده‌ام بگویم و مجالی برای دفاع داشته باشم.

از همان روزهای اولی که وارد کارهای تشکیلاتی و کارگروه‌های سیاسی دانشگاه شدم فکرم و هدفم این بود که تلاش کنم تا دانشگاه از رخوت و سیاسی کاری که گرفتار آن شده‌است، بیرون آید.

همواره در برگزاری بحث‌های آزاد دانشجویی، مناظره‌های نامزدهای انتخاباتی، کرسی‌های آزاداندیشی و بحث با دوستانم باید هدف این می‌بود. شاید تعجب کنید اما خوشحالم که در دانشگاه باهنر شاهد نسلی هستیم که برای اعتراض فارغ از اعمال درست یا نادرست و شعارهای حق یا ناروا دور هم جمع شده‌اند و این نشان می‌دهد باهنر در آستانه استحاله‌ای است که ققنوس وار از مرگ سکوت به تولد صدا حرکت می‌کند.

اما فارغ از این امیدها و نویدها و در عین حال ترس‌ها و لغزش‌ها برای این ماجرا باید حرف تکراری اما درستی را یادآوری کنم و آن این است:

بین دانشجوی معترض، لیدر تجمعات و اغتشاش‌گران فرق است.

بین دانشجوی مطالبه کننده شورای صنفی و لیدری که حتی دانشجوی باهنر نیست و از آن طرف و این طرف وارد دانشگاه می‌شود، فرق است.

بین دانشجوی خواستار ارتقاء رفاه زندگی در خوابگاه و تا ناندانشجویی که از نرده‌ها برای ورود و خروج به دانشگاه استفاده می‌کند تا از زمین اعتراض، محصول ناشگونی به نام آشوب برداشت کند فرق است.

نکته این جاست که دانشجو باید خودش، خودش را راهبری کند تا به سرایشی‌ها و بیراهه‌ها نرود. دانشجو باید در مصداق این بیت از مولانا باشد که فرمود: همچو نی زهری و تریاکی که دید/ همچو نی دم‌ساز و مشتاقی که دید(؟)

به عنوان نکته آخر بایستی گفت که من و همکلاسی‌هایم با وجود تمام تفاوت سلیق و آرا نباید خود را در دو جبهه روبرو و خدایی نکرده متخاصم هم تلقی کنیم ما در یک جبهه هستیم و تضارب آرایمان برای رشد خود، رشد شهر و رشد کشور و جهانمان مفید است. این روزها می‌گذرد و فقط حسرت خاطراتی در ذهن می‌ماند که می‌توانستیم با دوستی آنرا رقم بزنیم.



■ محمد عسکری کرمانی
مدیر مسئول

سیاس خداوندی را که توفیق بخشید تا دست اندرکاران نشریه سفیر با جدیدترین شماره این نشریه دانشجویی در خدمت شما عزیزان باشند. اکنون سفیر بر تجربه تنومندی تکیه زده است که مدیون زحمت و تلاش ادوار گذشته خود می‌باشد و الحق و الانصاف جایشان در فضای دانشجویی دانشگاه خالی است.

در صد و شانزدهمین شماره از سفیر بر آن شده ایم تا به آسیبی که بر پیکره کشور این روزها سنگینی می‌کند بپردازیم؛ مسئله‌ای که دامنه آن و اهداف و نیات واقعی که پشت آن خوابیده خود مطالعاتی مفصل می‌طلبد اما هر چند مختصر تلاش بر آن بوده تا ابعاد واقعی اتفاقات اخیر بر مخاطبین روشن سازی و تبیین گردد.

مضاف بر مطالبی که در سطور آتی این شماره از رساله سفیر تقدیم نگاهتان می‌گردد؛ مسئله‌ی شاید مغفول مانده‌ای در این جا قابل طرح می‌باشد و آن است که دشمن این روزها در کنار هجمه سنگینی که تمام و کمال و از طریق ابزارهای داخلی و خارجی خود صورت داده است، اهداف شومی را نیز از جمله بر هم زدن فضای یکپارچه علمی و نخبگانی حاکم بر دانشگاه‌ها در راستای اهداف باطل بزرگتری همچون چند پاره شدن جامعه و رودرو قرار دادن قشر انقلابی در مقابل سایر اقشار جامعه را سرلوحه توطئه ورزی‌ها و خبائات پیشگی‌های خود قرار داده است. مسئله‌ای که به هر شکل در محیط دانشگاه شهید باهنر نیز تلاش عبثی برای ایجاد آن صورت پذیرفت اما ذکر این نکته در این مقال خالی از لطف نیست که اگر از سوی طیف انقلابی دانشگاه سکوتی صورت گرفته است نه آنکه سکوتی از سر ضعف با ناتوانی بوده باشد بلکه سکوتی آگاهانه و در راستای عمل بر اساس بصیرت بوده است که به اصطلاح بهتر می‌توان از آن به آب در آسیاب دشمن نریختن تعبیر کرد. امید آنکه مطالب حاضر در این نوشتار کمکی به آگاهی بخشی و توانایی‌ی ادارک و فهم تحلیلی صحیح از مسائل اخیر کشور در شما مخاطب عزیز داشته باشد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات هیئت تحریریه محترم که با زحمات خود بر غنای این نشریه افزودند کمال تشکر را داشته باشم، انشاء الله که در این راه ثابت قدم باشند.

انسان هوشمند احساس نکند که پشت صحنه‌ی این حوادث دستهای دیگری در کارند، سیاستهای دیگری در کارند؟ البته آنها بدروغ اظهار تأثر میکنند برای اینکه یک نفری از دنیا رفته؛ [اما] دروغ میگویند و به هیچ وجه متأثر نیستند؛ خوشحالند، شادمانند برای اینکه یک بهانه‌ای به دست آوردند تا بتوانند حادثه‌آفرینی کنند؛ دروغ میگویند. قوه‌ی قضاییه قول داد کار را تا نهایت دنبال کند؛ خیلی خوب، تحقیق یعنی همین؛ یعنی کار را دنبال کنند، ببینند، نتیجه معلوم بشود، ببینیم مقصوری وجود دارد یا ندارد و مقصّر کیست. چطور شما یک سازمان را، یک مجموعه‌ی عظیم خدمتگزار را، مورد تهمت قرار میدهید، مورد اهانت قرار میدهید برای احتمال اینکه یک خطائی از یک نفر یا دو نفر سر زده باشد که آن هم یقینی نیست و تحقیق نشده است؟ انگیزه‌ی دولتهای خارجی چیست؟ آنچه بنده احساس میکنم، انگیزه‌ی آنها این است که احساس میکنند کشور در حال پیشرفت به سمت قدرت همه‌جانبه است و این را نمیتوانند تحمل کنند؛ این را احساس میکنند، می‌بینند. حرکت به سمت پیشرفت را می‌بینند که شتاب گرفته در کشور؛ این واقعیتی است. آنها نمیخواهند این اتفاق بیفتد. می‌بینند که کارهایی دارد انجام میگیرد که میتواند تهاجم تحریم را - که تنها اسلحه‌ی دشمن فعلاً تحریم است - خنثی کند؛ این را مشاهده میکنند. برای اینکه این حرکت را متوقف کنند، نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ برنامه‌ریزی کرده‌اند برای دانشگاه، برنامه‌ریزی کرده‌اند برای خیابان؛ برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ دشمن برنامه‌ریزی کرده که دانشگاه تعطیل بشود، نسل جوان سرگرم بشوند، برای مسئولین کشور مسائل جدیدی به وجود بیاید؛ اینها کارهایی است که برای این دارد ایجاد میشود و تحریک میشود که حرکت پیشرونده‌ی کشور را متوقف کنند. آنها فقط با جمهوری اسلامی مخالف نیستند، با ایران مخالفند؛ آمریکا با ایران قوی مخالف است، با ایران مستقل مخالف است.

نکته‌ی دیگر این است که در همان اول کار، بعضی از خواص، حالا ناشی از دلسوزی - دلشان سوخت - بدون تحقیق اطلاعاتی دادند، بیانیته دادند، حرف زدند، اظهاراتی کردند - البته تحقیق نکرده - بعضی‌هایشان سازمان انتظامی کشور را متهم کردند، پلیس را متهم کردند، بعضی‌شان مجموعه‌ی نظام را متهم کردند؛ لکن بعد از آنکه دیدند قضیه چیست، بعد از آنکه فهمیدند در نتیجه‌ی حرفهای آنها همراه با برنامه‌ریزی دشمن چه اتفاقی در خیابان و در مسیر عمومی مردم می‌افتد، بایستی آن کار خودشان را جبران میکردند؛ باید موضع بگیرند، باید صریحاً اعلام کنند که با برنامه‌ی دشمنان خارجی مخالفند. باطن قضیه معلوم شد. وقتی شما می‌بینید که عنصر سیاسی آمریکایی این قضایا را به دیوار برلین تشبیه میکند، خوب باید بفهمید که غرض چیست؛ مسئله‌ی دلسوزی برای یک دختر جوان نیست؛ این را باید میفهمیدید؛ اگر نفهمیدید، بفهمید؛ اگر فهمیدید، باید موضع اعلام کنید.



دل ما هم سوخت

■ سید علیرضا هاشمی مدنی

(علیه السلام) که قوی‌ترین بود و مظلوم‌ترین. در این حادثه‌ای که پیش آمد، دختر جوانی درگذشت؛ خوب حادثه‌ی تلخی بود، دل ما هم سوخت، ولی واکنش به این حادثه بدون اینکه تحقیقی شده باشد، بدون اینکه هیچ‌گونه امر مسلمی وجود داشته باشد، این نبود که یک عده‌ای بیایند خیابان را ناامن کنند، ناامنی را برای مردم به وجود بیاورند، امنیت را به هم بزنند، قرآن را آتش بزنند، حجاب از روی سر زن محجبه بکشند، مسجد و حسینیه را به آتش بکشند. واکنش به یک قضیه‌ای که حالا تأسف‌آور هم هست، موجب نمیشود که یک چنین حرکاتی انجام بگیرد؛ این حرکات عاذه‌ی نبود، طبیعی نبود. این اغتشاش برنامه‌ریزی داشت. اگر قضیه‌ی این دختر جوان هم نبود، یک بهانه‌ی دیگری درست میکردند. چه کسی این را برنامه‌ریزی کرده؟ بنده بصراحت میگویم این برنامه‌ریزی کار آمریکا، کار رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی و دنباله‌روهای آنها است؛ نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند. عمّله و مزدوران و حقوق‌بگیران آنها، بعضی از ایرانی‌های خائن هم که در بیرون از کشور هستند، به اینها کمک کردند. در اروپا، در فرانسه، هر چند وقت یک بار یک اغتشاش مفصل در خیابانهای پاریس به راه می‌افتد؛ من سؤال میکنم که آیا سابقه دارد رئیس‌جمهور آمریکا و مجلس نمایندگان آمریکا از اغتشاشگران حمایت بکنند؟ آیا سابقه دارد که پیام بفرستند که ما در کنار شما هستیم؟ آیا سابقه دارد که رسانه‌های جمعی وابسته‌ی به سرمایه‌داری آمریکا و دولت آمریکا و مزدوران آنها از جمله دولت سعودی، به راه بیفتند برای اینکه از اغتشاشگر حمایت بکنند؟ چنین چیزی سابقه دارد؟ سابقه دارد که اعلان کنند ما فلان سخت‌افزار و فلان نرم‌افزار اینترنتی را در اختیار اغتشاشگران قرار میدهیم تا بتوانند با هم راحت ارتباط برقرار کنند و کارشان را دنبال کنند؟ چنین چیزی در هیچ جای دنیا، در هیچ یک از کشورها سابقه دارد؟ اما اینجا اتفاق افتاد؛ نه یک بار، نه دو بار، بارها و بارها. خوب، چطور شما دست خارجی را نمی‌بینید؟ چطور

صبح روز چهارشنبه ۳۰ شهریور است. بازار شایعات داغ شده، برخی میگویند رهبر انقلاب در بستر بیمارستان، برخی دیگر میگویند ایشان فوت کرده‌اند و بدل ایشان قرار است به جای ایشان صحبت کنند. اما فرای تمام شایعاتی که وجود دارد، بسیاری برای مسئله دیگری منتظر شروع این برنامه هستند. ساعت ۱۰:۳۰ است و تلویزیون شروع به پخش بیانات رهبر انقلاب در ارتباط با هفته دفاع مقدس میکند. دیگر همه منتظرند در رابطه با فوت خانم مهسا امینی و تجمعاتی که در چند روز اخیر رخ داده رهبر انقلاب سخنانی را ایراد کنند. اما رهبر انقلاب با بیان سخنانی در رابطه با دفاع مقدس و شرایط زمان جنگ و بدون اشاره به آن مسائل، بیانات خود را به اتمام میرسانند. اما تفاوت مسئله امروز با مسئله بنزین در آبان ۹۸ چیست؟ در سال ۹۸ دولت موضع گیری مناسبی در رابطه با گرانی بنزین نداشت و قبل از اقعان افکار عمومی و بدون هیچ توضیح یا اعلام قبلی اقدام به این کار کرده بود. پس از گران کردن بنزین نیز سخنان رئیس‌جمهور وقت مردم را آرام و قانع نکرد. مجلس نیز تا حدی سر در گم بود و مسئولین واکنشها و موضع گیری های متفاوتی در قبل موضوع گرانی بنزین داشتند. اما با سخنان رهبر انقلاب در آن زمان هم مردم و هم مسئولین به مواضع و دیدگاه های نزدیکتری به یکدیگر رسیدند و تا حدی شعله ی آتش خشم مردم آرام تر شد. سر انجام در روز دوشنبه ۱۱ مهر رهبر انقلاب در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح پس از ایراد سخنانی در رابطه با امنیت و اهمیت بعد نظامی آن و نیروهای مسلح بیاناتی در رابطه با فوت خانم امینی و حوادث اخیر کشور ایراد میفرمایند؛ در این حوادث چند روز اخیر، بیش از همه به سازمان انتظامی کشور ظلم شد، به بسیج ظلم شد، به ملت ایران ظلم شد؛ ظلم کردند. البته ملت در این حادثه هم مثل حوادث دیگر کاملاً قوی ظاهر شد؛ ملت ایران، مظلوم است اما قوی است؛ مثل امیرالمؤمنین، مثل مولای متقیان، سرور خودش علی

یک پیام دریافت شد

■ لیلا رضایی



{ - خبرهای جدید رو شنیدی؟ + نه، چه خبری؟ - دیشب تو اعتراضات، دانشجویها رو گرفتن، میگن چند نفر هم کشته شدن... واقعا؟ - آره، اینستارو چک کن، همه جا خبرش پخش شده. { با کلی دردسر بالاخره تونستم اینستاگرام رو باز کنم، با حجم زیادی از خبرهای جدید رو به رو شدم: - جمهوری اسلامی ایران رو به زوال! - فرار شبانه سران حکومتی از کشور. - اعتصابات سراری مرم ایران در شهرهای مختلف. - کشتار مردم در اعتراضات بدست نیروهای امنیتی. - محاصره دانشجویان دانشگاه شریف- طبق خبرهای رسیده از بازدیدهای میدانی جمعی از دانشجویان بدست نیروهای امنیتی بازداشت و تعدادی هم کشته شدند. اوضاع آشفته و درهمی بود، از استرس دهانم خشک شده بود... چه خبر شده؟ نکند این موج اعتراضی به شهر و دانشگاه ما هم رسیده باشد؟ هنوز درگیر هضم خبرها و اطلاعات جدید بودم که پیام دیگری از طرف همکلاسی ام رسید! { - بچها قرار گذاشتن تا وقتی که دانشجویهای زندانی شریف رو آزاد نکردن، اعتصاب کنن و سر کلاس ها حاضر نشنن، حواست باشه فردا کلاس نری! } حدسم درست بود... به دانشگاه ما هم رسیده بود! سوالات زیادی ذهنم را درگیر کرده بود... آیا این اعتصاب درست است؟ یا همکلاسی هایم همراه شوم؟ اگر این خبرها دروغ باشند چه؟ یا شاید هم تحریف شده باشند... اگر اشتباه باشد پس آینده ی تحصیلی ام چه میشود؟ آن همه تلاش و امید برای رسیدن به هدف هایم... اصلا اگر این خبرها درست هم باشند، آیا راه درست رسیدن به مطالباتمان، اعتصاب و اعتراض به این شکل است؟ چرا به فکر یک راه درست برای بیان مطالباتمان نباشیم؟ مگر ما دانشجوی نیستیم؟ اگر قرار باشد هر خبر و اطلاعاتی را بدون منبع درست بپذیریم و هر راهی هم برای رسیدن به آن امتحان کنیم؟ پس چرا اسم خودمان را دانشجوی میگذاریم؟ مرز بین شایعه و واقعیت چیست؟ باور کردن یا نکردن یک خبر دست ماست؟ شما تاثیر رسانه برافکار

و حتی عکس العمل افراد را چگونه میبینید؟ فرض کنید تیتراژ خبری زیر را از دو پیام رسان مختلف دریافت میکنید: "جمهوری اسلامی ایران در حال سقوط است" چگونه تحلیل این خبر باشماست؟ خیر! بخش زیادی از تحلیل این خبر، از سمت پیامرسان و با توجه به موضع مشخصی که دارد به شما القا میشود. تصور کنید از دو پیامرسان الف و ب این خبر را دریافت میکنید. به نظر شما در ادامه ی این خبر پست های دیگری که دریافت میکنید چه تفاوتی دارند؟ تحلیلی که پیامرسان ب راجع به این خبر دارد به این صورت است که نظام جمهوری در حال فروپاشی است و راهی برای نجات آن نیست. تحلیل پیامرسان الف در مورد این خبر اینگونه است که تهدید هایی که بر جمهوری اسلامی وارد شده آن را قوی تر میکند. آیا این دو پیام رسان در دو دنیای متفاوت هستند؟ خیر! اما در دو حباب اطلاعاتی متفاوتند. چگونه؟! یعنی هر کدام از آنها در حباب اطلاعاتی قرار دارد که اطلاعاتی را که برای کاربرانش ناخوشایند است را فیلتر میکند. بدین ترتیب دیگر مهم نیست که کاربر طرفدار چه چیزی است، بلکه مهم این است که در نهایت اینطور به نظر برسد که همه مثل او فکر میکنند و علاقمندی هایشان یکسان است.

آیا تابحال به الگوریتم شبکه های اجتماعی توجه کرده اید؟! الگوریتم این شبکه ها بدین شکل است که اولاً علایق کاربر را تجزیه و تحلیل میکند و پس از آن خبرها و اطلاعاتی که برای فرد خوشایند است را به آن انتقال میدهد و ما بقی را فیلتر میکند و آرام آرام نظرات مخالف از آن حذف میشود. این اتفاق برای موتورهای جستجو گر هم رخ میدهد. تئوری عمل منطقی برایتان آشنا نیست؟! این تئوری مدلی را طراحی میکند که براساس آن میتواند انگیزه شما برای رفتارهای مختلف را شناسایی کند. باورهای یک فرد مثل پایگاه اطلاعاتی هر فرد است که از آن استفاده میکند تا یک تصمیم گیری را انجام دهد. قانع کردن یک فرد در این تئوری وقتی اتفاق می

افتد که اعتقادات و باورهای فرد درباره ی یک موضوع تغییر کند، درست همینجاست که اقتناع شروع میشود. میدانید باورهای جدید چه زمانی برای یک فرد بوجود می آید؟ وقتی تغییری در باورهای فرد بوجود می آید، با تغییر در نگرش فرد همراه میشود که نهایتاً باعث شکل گیری باورهای جدید میشود و این باورهای نو طبیعتاً باعث بوجود آمدن رفتارهای تازه ای در فرد میشود. یکی از ابزارهای قوی در این راستا رسانه است. آنچه در اینجا مطرح هست پشت پرده شبکه های اجتماعی و پیامرسان هایی است که کاربر های میلیونی دارند و همچنین از تسلط بسیار زیادی بر روی اذهان عمومی و کاربران خورد برخوردارند. سوء استفاده این شبکه ها در موقعیت های حساس و تحریک افراد جامعه از جمله اهداف این شبکه ها برای ارائه خدمات به کاربرانشان است.

فائدتاً استفاده از شبکه های اجتماعی داخلی یک کشور برای عموم مردم پیامدهای بهتری دارد. اما چرا مردم از پیامرسان های داخلی استقبال نمیکنند؟! شبکه های داخلی معمولاً مدیرانی دارند که به بخش دولتی مرتبط هستند و زیر شرکت های خصوصی نیستند. پس افرادی به عنوان مدیران این شبکه ها انتخاب میشوند که از فیلترهای دولتی عبور میکنند و بحث تخصص زیاد مطرح نمیشود.

الگوریتم و ساختار این شبکه های داخلی عموماً دارای نوآوری نیست و مشابه نمونه های خارجی است، البته با پشتیبانی فنی ضعیف تر! استقبال از این شبکه ها معمولاً در بازه ای اتفاق می افتد که دسترسی به شبکه های خارجی امکان مذیبر نیست! اما در همین بازه هم این شبکه ها پشتیبانی قوی ای از ورود کاربران جدید ندارند. استفاده از توان مهندسی متخصص داخلی، پشتیبانی مالی و مدیریتی درست از پیامرسان های داخلی و بهبود کیفیت فنی میتواند حمایت کاربران را از شبکه های داخلی، افزایش دهد.

آخرنواختن با تارمو!

■ محمد یاسین مهراد

این بودیم که در این روزها نقلاتی از کشور این امنیتی که سالیان سال وقف آن مجاهدتها صورت گرفت این عناصر به دنبال برهم زدن آن بودند در یک جا که خشم و هیاهو مردم را به کف خیابان آورد در نقطه‌ای از کشور گروهک تروریستی اعلام آمادگی جهت جداسازی کردستان از ایران کرد.

گروهک تروریستی که چهاردهه پیش با رژیم صدام برای نابودی ایران همدست بود، در نقطه‌ای دیگر جنوب شرق کشور، شهر زاهدان شاهد مجروح شدن و شهادت مردم عزیزمان در یک حمله تروریستی توسط گروهک تروریستی جیش‌الظلم بودیم مطابق سخن استاندار سیستان و بلوچستان تلفات این حمله تروریستی را ۳۹ کشته و زخمی اعلام کرد.

دشمن ما در این اتفاقات به دنبال براندازی جمهوری اسلامی و یا حداقل تضعیف جمهوری اسلامی ایران بود چرا که اگر ایران در عرصه سیاسی و چشم مردم جهان یک نظام سرکوب‌گر و به دور از عقلانیت شناخته شود در مسائل سیاسی، آرمان خواهی خود تا مدتی نمی‌تواند آن طور که می‌خواهد بدرخشد، از طرفی دیگر برهم زدن امنیت و ناپایداری آن نتیجه‌اش می‌شود جولانگاه تروریستان و تجزیه طلبان ایران که می‌شود نابودی ایران ما. باید ببینیم ما در کدام نقطه هستیم در در بازی هستیم که طراحی کردند و یا وارد بازی نشدیم که آخرش می‌شود باخت خود ما.



برای دور زدن تحریم‌ها می‌شود. با کشاندن مردم به میدان اغتشاش ۱۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان خسارتی است که طی روزهای ۲۸ شهریورماه تا ۵ مهرماه صرفا به تجهیزات شهر تهران وارد شده است. مطابق نقل قولی از وزیر بهداشت ضمن اشاره به اینکه کشور با کمبود آمبولانس روبرو است، از تخریب ۷۲ دستگاه آمبولانس در حوادث اخیر خبر داد اما این بخش مادی ماجرا بود و جدا از این هزینه‌های زیادی در مسئله اعتماد مردم و نگاه مردم به نیروی‌های انتظامی، امنیتی و نظامی به وجود آورده شد و منجر به تضعیف همبستگی قشری از آحاد مردمی با نیروی‌های نظامی کشور شد.

تزریق ناامیدی و به خشم کشاندن نوجوان و جوانان چیزی بود که از همان شروع این سناریوها در ذهن و فکر این قشر نفوذ کرد. ناامیدی به همه چیز حتی پیشرفت خود چه برسد به اصلاح ساختارهای اشتباه کشور. انقلاب اسلامی زمانی که به عنوان یک قلب بیداری و مقاومت شناخته می‌شود اگر تمام جهان به دنبال تضعیف آن باشد نتیجه این می‌شود که کشورها و گروه‌هایی که ثمره بیداری انقلاب اسلامی است در انجام کارهایشان به چالش برخوردند و از تمام قدرت خود نمی‌توانند استفاده کنند.

هدف دیگر که به آن نزدیک شدند و حس می‌شد دوگانگی مردم و نظام هدفی است که این‌ها همیشه به دنبال آن بودند، یک شکافی قبلا بوده و این‌ها به دنبال افزایش این شکاف هستند این که مردم را از این بدنه، از این نظام جدا کنند و این دو را یکی ندانند در حالی که مبنای انقلاب اسلامی یکی دانستن مردم و نظام است نه نگاه دوگانه!

و در پایان و در کنار خالی کردن دست ایران در مذاکرات هسته‌ای که چندی با رویکردهای جدید به سمت مذاکره عزت-عزت رفته است، مهمترین برنامه آن‌ها را می‌توان برهم زدن پایداری امنیت ملی یعنی همان امنیت زیر ساخت همه ابعاد زندگی یک جامعه دانست.

از مسایل شخصی بگیریید تا مسائل اجتماعی اگر امنیت در یک جامعه نباشد مردم هیچ کار مثبتی نمی‌توانند در آن جامعه انجام دهند، با شبکه‌سازی و عملیات‌هایی که سرورس‌های جاسوسی و خرابکاری دشمن در کشور ما با سوءاستفاده از این موضوع انجام دادند ما شاهد

زمانی که شما با یک دید نخبگانی به جریانات اخیر نگاهی می‌کنید به عنوان یک دانشجوی هوشیار به یک جریان هدفمند می‌رسید جریانی که در این مدت کوتاه به یک مجموعه از فواید دست پیدا می‌کند. در اتاق فکرهایشان به آن نقطه‌ای فکر کردند که جوان و نوجوان را وارد مرحله خشم و هیاهو کنند، شبکه‌های خود را آماده و به خط کردند، برای رسیدن به اهداف خود از یک ساختار که حساسیت مردم را سالیان سال به خود جلب کرده بود استفاده کردند، همزمان در درگیری مرزی آذربایجان و ارمنستان به دنبال تغییر مرزهای ارمنستان بودند که این خبر را کامل به بایکوت بردند.

حال دیگر پروژه شروع شده است، تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای خود را به کار گرفته‌اند و خبری جز این اتفاق تلخ در فضای رسانه دیده نمی‌شود، آن خبری که سال‌ها برای اقتصاد ایران یک هدیه بود، همان خبر پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای و فرصت‌های بسیار دوسویه شاید بیشترین امیدآفرینی اقتصادی به مردم ما که به حاشیه برده شد و اندکی از مردم فهمیدند چه بود و چه شد و کمتر کسی شنید که این دستاورد برای ما چه نقطه عطفی است. از آن واقعه بگویم که ۲۱ میلیون و ۱۹۸ هزار و ۶۴۰ نفر زائر که حماسه‌ای را رقم زدند و اما هیچ خبری در رسانه‌ها نبود جز جو رسانه‌ای آن خبر تلخ!

آن سوی مرزها پهلوان مردان کشتی ایران در مبارزه‌ای تئاترنگ به مدال‌های طلا و نقره دست یافتند که آن را هم قربانی خبرهای تلخ کردند. رییس جمهور به نیویورک سفر کرد به جهت تحقق حقوق این ملت. در صحن سازمان ملل به سخنرانی پرداخت و این در حالی بود که در خیابان‌های نیویورک تصاویر اعتراضات و حتی اغتشاشات اخیر در حال پخش بود و انگشت اتهامات به سمت رییس جمهور سایه افکنده. خرد و کلان سلبریتی‌های خارج از کشور به حمایت برخواستند و چهره‌ی ایران اسلامی را در چشم و ذهن مردم جهان بد نام می‌کردند. موج حمله به دختران محجبه در فضای رسانه ایجاد می‌شد و نهایت امر دیگر آن اتحاد خدشه دار شده و آرامش روانی همگان به نابودی کشیده می‌شود.

در دو هفته اخیر استکبار جهانی چندین نهاد و مسئولین ایران اسلامی را به بهانه‌ی سرکوب اعتراضات تحریم کرد و همین باعث مشکلاتی

قانون یا اجبار؛ مسئله این است!

■ فاطمه شکیبا

هر عقل سلیمی این را میداند که هیچ جامعه ای بدون قانون نه تنها نمی تواند پیشرفت کند، بلکه حتی دوام هم نمی آورد. اما تکلیف چیست اگر یک فرد در یک جامعه از قانون خوشش نیاید؟! جواب مشخص است. قانون برای همه و برای سلامت اجتماعی نوشته شده و جدای از حق و حقوق فردی شخص است پس وی باید به آن ملزم باشد. در اینجا حرف بر سر قانونی است به اسم قانون حجاب که قطعاً با حجاب اجباری متفاوت و حتی قابل قیاس نیست. اجبار مترادف با عملی از سر اکراه است و مقابل آزادی است. مواردی پیش می آید که برای پیشرفتی که به نفعمان است، اما از آن مطلع نیستیم اجرای یک قانون اهمیت می یابد. برای مثال در دانشگاه گذراندن یک درس پیشنهادی برای برداشتن درس ترم بعد یک اجبار و قانون است، حتی اگر آن درس را دوست نداشته باشیم. رعایت قانون پیشنهادی همنیاز اجباریست چه باب میل ما باشد چه نباشد.

در اینکه افراد مختارند هر دینی را که خواستند انتخاب کنند حرفی نیست، حتی اگر آن دین از احکام فردی مثل نماز صحبتی نکرده باشد. کسی ملزم نیست وقتی مسلمان نیست نماز بخواند، الزام برای احکام اجتماعی است. وقتی که بین آزادی فرد با آزادی جامعه تعارض ایجاد شود، بنابراین در الزام قانونی، شماممکن است به قانون اعتقادی نداشته باشید اما به قاعده بازی باید به قانون تن بدهید. این قاعده ای همه زمانی و همه مکانی است. در آزاد ترین کشورها نیز اکثریت تابع قانون اند؛ حال یا به نفع عفاف یا به نفع برهنگی اما امروز اکثریت جامعه ایران چه می خواهد؟

حکومت جمهوری اسلامی با خواست و انقلاب مردم شکل گرفت، به طوری که درخواست مردم پیوند اسلام با همه ی شئون زندگیشان بود. در طول سال های پس از انقلاب حمایت مردم در عرصه های مختلف از حکومت اسلامی دوامش را تضمین کرده است، پس در نتیجه مردم هنوز قوانین اسلامی را ناظر بر خود و اعمالشان در زندگی اجتماعی می دانند و می خواهند. قوانین اسلامی اجرا و رعایتشان انتخابی نیست. در جمهوری اسلامی ایران هر کس فعل حرامی در ناظر عمومی و معابر علنا انجام بدهد، جرم است و باید طبق قانون با او رفتار شود. موج منفی: اگر الزام حجاب نبود، وضع بهتر بود؟! موج خنثی کننده: حتی یک نمونه در دنیا نداریم که چنین ادعایی را ثابت کند. به همین جهت

بسیاری از کشورها در حوزه اعتقادی و گرایشی خود محدودیت در حوزه برهنگی دارند؛ هر چند ممکن است این محدودیت متفاوت از محدودیت دینی باشد. اما اصل محدودیت را پذیرفتند. اگر هم جایی از رشد حجاب خوانده آید ناشی از رشد معنویت و دین است نه برداشتن محدودیت. اینجور نبوده و نیست که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیت های اجتماعی پیشرفت کند؛ همه ی اینها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم. برداشتن حجاب، مقدمه ای برای برداشتن عفت بود.

نبود حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بند و بارانه، هیجان ها و التهاب های جنسی را افزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یکعطش روحی و یک در خواست اشباع نشدنی درمی آورد. غریزه جنسی غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است هر چه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله و رتر میشود. کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می کند. برعکس آنچه مخالفین حجاب خرده گیری کرده اند و گفته اند.

موج منفی: حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است.

موج خنثی کننده: آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعداد های اوست حجابی به معنای زندانی کردن و محروم ساختن او از فعالیت های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است که در اسلام اصلاً چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می گوید زن از خانه بیرون نرود و نه می گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد و برعکس اصلاً نمی خواهد زن بیکار و بی عار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشانیدن بدن مانع هیچ گونه فعالیت نیست.

آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذت جویی های شهوانی است؛ همان مسیری که در غرب پیش گرفته شده است. در محیطی که دختر و پسر باهم درس می خوانند، اگر دختران بدن خود را بپوشانند و حیا و عفت را پیش بگیرند، پسران نیز خود را ملزم به رعایت حیا و حریم ها کنند، بهتر درس می خوانند و فکر میکنند و رشد می کنند یا هنگامی که دختر و پسر درگیر ظاهر باشند؟! پاسخ با شما.

این صحبت را زیاد شنیده ایم که حجاب،

موجب سلب حق آزادی که یک حق طبیعی بشر است می گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار می آید. در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد، حجاب در اسلام یک وظیفه ای است که بر عهده ی زن نهاده شده که در معاشرت و بر خورد با مرد باید کیفیت خاصی را مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد. اگر رعایت پاره ای از مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را برهم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی را (زندانی کردن) یا توهین به حیثیت انسانی نمی توان دانست. این محدودیت های اجتماعی منافاتی با کرامت های انسانی و آزادی انسان ندارد. برخی فیلسوفان غربی چون برتراند راسل معتقدند از لحاظ هنرمایه ی تاسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون آنکه غیرممکن گردد. یا اینکه، در جایی که اخلاقیات کاملاً آزاد باشد انسانی که بالقوه ممکن است عشق شاعرانه داشته باشد اعمال بر اثر موفقیت های متوالیبه واسطه ی جاذبه شخصی خود، ندرتا نیازی به توسل به عالیترین تخیلات خود خواهد داشت. موج منفی: در مخالفت با حجاب بیان میکنند که این قانون قانون اسلام است و این کشور کشور داریوش و کوروش. حجاب برای اسلام است!

موج خنثی کننده: حجاب زنان ایرانی نه تنها با ورود اسلام به ایران نبوده بلکه آزادی زنان بعد از اسلام در ایران بسیار راحت تر هم شده، در زمان داریوش زنان را به بهانه حیض بودن گوشه نشین کردند و این گوشه نشینی رفته رفته سراسر زندگی اجتماعیشان را فرا گرفت. در ایران اسلامی زن حائض هیچگاه ممنوعیت معاشرت با دیگران و گوشه نشینی را نداشته است. می بینید که در زمان ایران باستان حجاب وسختگیری های عجیبی حکم فرما بوده که حتی پدر و برادران زن شوهر دار نامحرم او شمرده می شدند. این سخن که حجاب بعد از مسلمان شدن ایرانیان به وجود آمده کاملاً نادرست است، زیرا قبل از اینکه ایرانیان مسلمان شوند زرتشت نیز آیات مربوط به حجاب و قوانین سرسختانه ای را ارائه داده بود.

سخن پایانی آنکه قانون هر کشور خواستار امنیت است و حجاب عامل امنیت می باشد.



#اعتراض_حق_ماست

■ فاطمه سادات موسوی

این روزها واژه هایی کلی و مبهم در گوشه و کنار جامعه به گوش می رسد. واژه هایی نظیر حق، حق طلبی، حق گوئی، حق شنوی، حق اعتراض و... اما آیا تا بحال عمیقاً به این واژه ها توجه کرده اید؟ و یا به دنبال تعریف واقعی آنها در دین و قانون بوده اید؟ عموم مردم، حق را یک طرفه میدانند و تصورشان براین است که اگر حقی هم وجود داشته باشد از طرف حکومت و حاکمان باید برای آنها به اجرا درآورده شود...

و یا حتی بالعکس، گاهی حاکمان و حکومت خود را محق می دانند... اما به راستی کدامیک درست است؟ و چه کسی محق تر است؟ متن زیر را مطالعه کنید:

"اصلاح مردم بدون اصلاح حاکمان ممکن نیست، همانطور که اصلاح حاکمان بدون اصلاح مردم امکان پذیر نیست! یعنی این دو بر هم تأثیر متقابل دارند.

حاکمان باید از چاپلوسان دوری کنند و برعکس... آماده شنیدن نقد نقادان و خرده گیری خرده گیران باشند، تا جامعه رو به سوی صلاح و فلاح حرکت کند."

سخن بالا از امیر المؤمنین علی (ع) در جنگ صفین می باشد.

همه ی ما فطرتاً حق پذیر هستیم و به دنبال احقاق حقوقمان... از پایمال شدن آن معترضیم و از ظلم پذیری بیزار هستیم...

معیار ما برای تعیین و سنجیدن حقوقمان چیست؟!

اصل بیست و شش و بیست و هفت قانون اساسی را مرور میکنیم:

"اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تشکیل اجتماعات و راهپیماییها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است."

با نگاهی به دو اصل یاد شده، متوجه میشویم که در شرایط کنونی جامعه، برخی که گمان میکنند حقوقی از آنها ضایع شده است و نسبت به شرایط جامعه معترض هستند، حق دارند اعتراضشان را بیان کنند!

اما اعتراضی که مسالمت آمیزه همراه با رعایت موازین اسلامی و وحدت ملی باشد و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکند. همچنین در راستای حق اعتراض، به کسی ظلم نشود و تحت تأثیر القائات بدخواهان قرار نگیرند.

در یک نگاه بی طرفانه آیا این شروط یاد شده را می توان ذیل «اعتراضات» اخیر آورد؟ پاسخ با شما...

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۳۱ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی های قانونی را تصویب کرد.

منابع: نهج البلاغه نامه ۵۰، خطبه ۲۱۶ /

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۲۶ و ۲۷

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شهید باهنر کرمان
مدیرمسئول: محمد عسکری کرمانی سردبیر: سید رسول حسینی نیا
هیئت تحریریه: سید علیرضا هاشمی مدنی، محمد یاسین مهرداد، فاطمه شکیباء، فاطمه سادات موسوی و
لیلا رضایی
نشانی: کرمان، میدان پژوهش، دانشگاه شهید باهنر، بسیج دانشجویی دانشگاه شهید باهنر کرمان
انتقادات و پیشنهادهای خود را با ما درمیان بگذارید:
فضای مجازی: @nashrie_safir | تلفن: ۰۳۴۳۲۱۴۲۵۶۸۱
مطالب هر بخش صرفاً دیدگاه شخصی نویسنده می باشد و مواضع بسیج دانشجویی جداگانه اعلام می گردد.



{سَافِر}

نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه شهید باهنر کرمان



واکنش به حادثه تلخ درگذشت دختر جوان آتش زدن مسجد و ماشین مردم نبود اغتشاش اخیر برنامه ریزی شده بود

در این حادثه ای که پیش آمد، دختر جوانی درگذشت؛ خب حادثه ی تلخی بود، دل ما هم سوخت ولی واکنش به این حادثه بدون اینکه تحقیقی شده باشد... این نبود که یک عده ای بیایند... امنیت را به هم بزنند، قرآن را آتش بزنند، حجاب از روی سر زن محجبه بکشند، مسجد و حسینیه را به آتش بکشند، بانک را به آتش بکشند، ماشین های مردم را آتش بزنند... این حرکات عادی نبود، طبیعی نبود. این اغتشاش برنامه ریزی داشت.

بیانات رهبرانقلاب در مراسم مشترک دانش آموختگی
دانشجویان دانشگاه های افسری نیروهای مسلح

۱۴۰۱/۰۷/۱۱